دوستی و خدمت بی‌منّت - 30 /آذر/ 1389

شرح حدیثی از حضرت امام جعفرصادق علیه‌السلام توسط حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در جلسه درس خارج فقهِ سی‌ام آذرماه 89 (پانزدهم محرم‌الحرام 1432)

«عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ الْمُؤْمِنُونَ خَدَمٌ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ قِیلَ وَ کَیْفَ یَکُونُونَ خَدَماً بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ قَالَ یُفِیدُ بَعْضُهُمْ بَعْضاً...»
کافی، ج 2، ص 167

فی الکافی، عن الصّادق (علیه‌السّلام): «المؤمنون خدم بعضهم لبعض» ؛ حضرت امام صادق علیه‌السلام فرمودند: مؤمنین، خدمتگاران یکدیگرند. خدم، جمع خادم است ؛ یعنی خدمتگاران. در فارسی، ما برای کلمه‌ی خدم میگوئیم خدمتگار ؛ که محترمانه‌اش کلمه‌ی «خدمتگار» است، و غیرمحترمانه‌اش کلمه‌ی «نوکر» است، نه خدمتگزار. تعبیر خدمتگزار، یک تعبیر دیگری است و در فارسی یک معنای عرفیِ دیگری دارد، که متفاوت است با معنای خدمتگار. خدم، جمع خادم است. خادم به همان معنای خدمتگار است. میگوید: مؤمنین خدمتگارهای همدیگرند. [خب مستمعین]، تعجب کردند: چطور؟ همه خدمتگار همدیگر هستند؟ یا به تعبیر عرفی‌تر، همه نوکر همند؟ «قیل و کیف یکونون خدما بعضهم لبعض» ؛ چه جور میشود که بعضی، بعضی دیگر را خدمتگار باشند؟ یعنی مثلاً بروند خانه‌های همدیگر، خدمتگاری کنند؟ فرمود: «یفید بعضهم بعضا» ؛ [یعنی] به هم فایده برسانند. پس فایده رساندن مؤمنین به یکدیگر، خدمتگاری به آنهاست ؛ [و در آن] منّتی وجود ندارد ؛ نکته این است.

اگر چنانچه ما به هم خدمتی کردیم و به یکدیگر فایده‌ای رساندیم، چه در عرضِ هم باشیم - مثل ما مردم معمولی کوچه و بازار که به حسب شأن اجتماعی، در عرض یکدیگر قرار داریم - چه آن کسی که به حسب موقعیت اجتماعی، شأن بالاتری دارد ؛ مثلاً رئیس یک تشکیلاتی است، دیگر نباید سر یکدیگر منّتی داشته باشیم. به نظر ما نکته‌ی این حدیث، تنها این نیست که افراد باید به هم نفع برسانند ؛ بلکه این هم هست که این نفع رساندن موجب منّت نباشد، تا این خدمتی را که میکنند، با منّت گذاشتن باطل نکنند.